

پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

مقدمه

مطالعات و یافته‌های تحقیقات در قلمرو تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از مجازات، آن هم از انواع شدید آن، استفاده می‌کرده‌اند (یعنی پیشگیری کیفری).^۱ به عنوان نمونه، قانون «هیتی‌ها»^۲ یا «هی‌تیت‌ها» و قانون «حمورابی»^۳ که مربوط به حدود چهار هزار سال پیش است و

۱. بولک (برنار)، کیفرشناسی، ترجمه ع، ح نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۲۹ و بعد.

۲. رک. گرنی (الیور)، هیتی‌ها، ترجمه رقیه بهزادی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۷۱.

۳. رک. میک (ت.ج.)، قانون نامه حمورابی، ترجمه کامیار عیدی، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳: آشوری (محمد)، «عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی»، عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۸۹ و بعد.

حدود یک قرن پیش کشف شده اند، رژیم کیفری نسبتاً شدیدی را - البته با درجه های متفاوتی - برای حمایت از ارزشهای غالب و حاکم در جوامع خود و نیز مبارزه با متجاوزان به این ارزشها پیش بینی کرده بودند. اما به حکایت همین یافته های حقوق کیفری و مکاتب مختلف فلسفی - کیفری این شدت و حدت نظام کیفری نتوانسته است، آن طور که انتظار می رفته است، منحنی جرائم را مهار کند یا آنها را از میان ببرد.

تولد رشته های انسان شناسی جنایی^۱ و سپس جرم شناسی^۲ در ربع آخر سده نوزدهم تا حد زیادی به دنبال شکست نظام کیفری در مهار موج بزهکاری بوده است. موضوع جرم شناسی یعنی علم جرم، بررسی ماهیت و فرایند تکوین جرم یا به عبارت دیگر علت شناسی جرم است. اگرچه جرم شناسی موضوع مطالعه عمده خود یعنی جرم را از حقوق کیفری می گیرد، لیکن برای انجام تحقیقات و مطالعات خود به عنوان رشته ای مستقل از مفاهیم و روشهای خاص خود استفاده می کند.^۳ مثلاً به جای جرم که مفهومی است حقوقی از اصطلاح و مفهوم تبهکاری یا بزهکاری^۴ استفاده می کند که معنا و آثار خاص خود را در این علم دارد؛ یا جرم شناسی برای مطالعات، تحقیقات و هدفهایی که دنبال می کند دست به طبقه بندی بزهکاری می زند. در این خصوص، جرم شناسی معیارهایی را برای طبقه بندی لحاظ می کند. مثلاً بر اساس معیار «جنسیت»، بزهکاری مردان و بزهکاری زنان، با معیار «سن»، بزهکاری اطفال و

۴. نجفی ابرندآبادی (علی حسین) و هاشم بیگی (حمید)، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

۵. کی نیا (مهدی)، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد نخست، ۱۳۷۶؛ نوربها (رضا)، زمینه جرم شناسی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷؛ گسن (رمون)، مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه مهدی کی نیا، ناشر: مترجم، ۱۳۷۰.

۶. رک. نجفی ابرندآبادی (ع. ح.)، جرم شناسی: صاحب یک تخصص علمی یا صاحب یک کار حرفه ای؟، مجله کانون وکلا شماره ۶۷، ۷۲-۱۳۷۱، ص ۴۱۵ و بعد.

بزهکاری کبار (بزرگسالان)، با معیار «ملیت»، بزهکاری بیگانگان (خارجی ها) و بزهکاری بومی ها و بر اساس معیار «میزان آثار اجتماعی، اقتصادی، ... جرائم»، بزهکاری را به بزهکاری بزرگ، بزهکاری متوسط و بزهکاری کوچک تقسیم می کند - معیاری که مثلاً پلیس فرانسه برای تنظیم آمار سالیانه بزهکاری ظاهری یا پلیسی^۸ در این کشور از سال ۱۹۷۲ مورد توجه قرار می دهد.

کاربرد اصطلاح یا مفهوم بزهکاری کوچک یا جرائم خرد^۹ یا بزهکاری محلی یا «بزهکاری مربوط به همسایگی و همجواری یا ناشی از آن»^{۱۰} نیز از این قاعده در جرم شناسی، علوم پلیسی و حتی علوم سیاسی مستثنی نیست. زیرا ارتکاب و گسترش این قبیل جرائم، همان طور که خواهیم دید، سبب شده است که مردان سیاسی، احزاب، دولتمردان و حتی جامعه مدنی نیز به مسأله بزهکاری پرداخته و برای مهار آن برنامه های خاص خود را اعلام کنند. بدین ترتیب جرم که ابتدا دارای مفهومی حقوقی، قضائی و پلیسی بوده است، امروزه به لحاظ آثار اجتماعی و شیوه های مختلف کنترل آن، دارای مفهوم، بار و تبعات سیاسی، اقتصادی و نیز اجتماعی شده است و بنابراین نهادهای متنوع دولتی و نهادهای متنوع مردمی برای مهار آن بسیج شده و سرمایه گذاری می کنند.

بی تردید مفهوم بزهکاری خرد یا کوچک، مفهومی متغیر در مکان و زمان است. چه بسا جرمی که در فرانسه کم اهمیت و پیش پا افتاده تلقی می شود، در ایران جرم متوسط یا یک جرم بزرگ تلقی گردد. یا بالعکس. یا عمل مجرمانه ای که مثلاً سه دهه پیش مهم تلقی می شده، اینک به یک جرم خرد تعبیر می شود. بی تردید علل افزایش این جرائم نیز در کشورها متفاوت است. اما در هر حال سرقتهای ساده مثل کیف زنی، جیب زنی، کف زنی، سرقت وسایل نقلیه موتوری و غیرموتوری یا سرقت وسایل داخل

8. Criminalité apparente.

9. Trivial offences; Micro criminality; La petite délinquance.

10. Criminalité de proximité.

یا بیرون خودرو، ویرانگری اموال عمومی (واندالیسم)، تهاجمات و تعرضات خشونت‌آمیز ساده در معابر عمومی علیه افراد (به ویژه اشخاص سالخورده یا زنان)، خُرده فروشی و عرضه مواد مخدر در سطح محله‌ها، استعمال مواد مخدر در مکانهای عمومی مثل پارکها، شعارنویسی و یا نقاشیهای مستهجن بر در و دیوار معابر عمومی (دیوارنویسی) و بالاخره ارتکاب اعمال و انجام رفتارهایی که به «بی‌نزاکتی و بی‌ادبی‌های عمومی»^{۱۱} تعبیر شده است، عموماً از مصادیق جرائم کوچک قلمداد می‌شود.

همانطور که پیش‌تر گفته شد، جرم‌شناسی از طبقه‌بندی بزهکاری هدفهای خاص خود را دنبال می‌کند. یکی از این هدفها، پیشگیری از بزهکاری و نیز پیشگیری از تکرار جرم است.

با گردآوری تعدادی از جرائم ارتكابی زیر عنوان «بزهکاری خُرده»، هدف علم جرم‌شناسی آن بوده است که با توجه به خصوصیات این جرائم و با توجه به تیپ مباشران این قبیل جرائم، اقدامها و تدابیر پیشگیرانه مناسب با طبیعت آنها ارائه نماید. افزایش جرائم کوچک و محلی از حدود ۲۵ سال پیش به این طرف در پاره‌ای کشورها، به ویژه جوامع صنعتی که با پدیده شهرنشینی روزافزون و توسعه افقی — عمودی شهرها و کلان‌شهرها و نیز نسل دوم و حتی سوم مهاجران خارجی دست به گریبانند، علاوه بر خسارات مادی، به ویژه موجب ظهور احساس ناامنی و ترس از بزه‌دیدگی^{۱۲} در بین شهروندان شده است. در نتیجه، این قبیل جرایم کیفیت زندگی مردم را خدشه دار کرده در نهایت فضای فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی یعنی پیشرفت جامعه را نامطمئن و دستخوش اختلال می‌کند. با توجه به پیامدهای

11. Incivilities / Incivilités.

۱۲. رک. نجفی ابرندآبادی (ع.ح.)، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، سال ۱۳۷۶، ص ۴۳ و بعد: کمیته مطالعات خشونت و بزهکاری (فرانسه)، پاسخ‌هایی به خشونت، ترجمه مرتضی محسنی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.

اخیر بزهکاری خُرد است که امروزه در کنار استفاده از نهادهای قهرآمیز و کیفری و با توجه به محدود بودن ظرفیت و کارایی این نهادها، بر پیشگیری و به ویژه پیشگیری مشارکتی تکیه می شود.

اما، انریکو فری ایتالیایی، بنیانگذار جامعه شناسی جنایی و نیز از بنیانگذاران مکتب تحقیقی در ایتالیا، نخستین کسی است که از پیشگیری و جانشینهای کیفری^{۱۳} برای مهار جرائم و مقابله با بزهکاری سخن به میان آورده است.^{۱۴} و بدین ترتیب است که مفهوم و اصطلاح پیشگیری وارد متون جرم شناسی شده، به طوری که امروزه در سیاست جنائی سازمان ملل متحد،^{۱۵} شورای اروپا^{۱۶} و نیز در سیاست جنائی بسیاری کشورها، پیشگیری یعنی اتخاذ و اعمال اقدامها و تدابیر غیر کیفری و غیر سرکوب گر به منظور جلوگیری از وقوع جرائم، دارای جایگاه ویژه ای شده است (پیشگیری غیر کیفری)، که این امر خود حکایت از پذیرش یک رویکرد یا ره یافت کلان نسبت به جرم و کنترل آن دارد. برگزاری همایشهای متعدد بین المللی، منطقه ای و داخلی در اغلب کشورها^{۱۷} در مورد پیشگیری در دو دهه اخیر دلیل دیگری بر اهمیت آن است:

کنگره های پنج ساله سازمان ملل متحد تحت عنوان «کنگره های پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران» و یکی از کمیسیونهای فنی شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان نیز تحت عنوان «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» نامگذاری شده

13. Substituts pénaux.

۱۴. گسن (رمون)، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، ناشر: مترجم، ۱۳۷۰.

۱۵. رک. نجفی ابرندآبادی (ع.ح)، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، ۱۳۷۵.

۱۶. رک. نجفی ابرندآبادی (ع.ح)، جایگاه جرم شناسی در ایران، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲، سال ۱۳۷۶، ص ۱۱۸-۱۱۹ و:

Tulkens (F.) et Bosly (H.-D.) [sous la direction de], La justice pénale et l'Europe, Bruylant, Bruxelles, 1996.

17. cf. Dufour-Gompers (R.), Dictionnaire de la violence et du crime, Ed. Érès, Toulouse (France), 1992, pp. 273-274.

است. «کمیته اروپایی مسائل جنائی» شورای اروپا در همایشها، قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های خود پیشگیری را از اولویت‌های سیاست جنائی در اروپا می‌داند.

امروزه در سطح داخلی نیز دولتها کمیسیون یا کمیته یا شورای خاصی را به عنوان متولی و مسؤؤل پیشگیری از بزهکاری ایجاد نموده، مدیریت آن را به وزارت کشور (مثلاً در انگلستان) یا به وزارت دادگستری (مثلاً در نروژ، دانمارک) یا به طور مشترک به دو وزارتخانه کشور و دادگستری (مثلاً در هلند) یا به صورت مدیریت مشترک به نمایندگان جمعی از وزارتخانه‌ها (مثلاً در فرانسه) یا مستقیماً به سازمان پلیس (مثلاً در قبرس) محول می‌کنند یا بعضی کشورها نهاد مستقلی را برای اداره و هدایت امر پیشگیری ایجاد می‌نمایند (مثلاً سوئد).^{۱۸}

در ایران نیز پیشگیری از بزهکاری در متون رسمی مورد توجه قرار گرفته و این مفهوم علاوه بر ورود در نوشته‌های فارسی جرم‌شناسی، در بعضی قوانین و مقررات نیز وارد شده است. به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی ج.ا.ا. قوه قضائیه علاوه بر کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین (بند ۴) باید به عنوان وظیفه دیگر، برای «پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» اقدام مناسب به عمل آورد (بند ۵). قانون نیروی انتظامی مصوب خرداد ۱۳۶۹ نیز «پیشگیری از وقوع جرایم» را یکی از وظایف آن نیرو پیش بینی می‌کند (بند د ماده ۸). آئین‌نامه سازمان زندانها مصوب فروردین ۱۳۷۲، یکی از وظایف آن سازمان را «شناخت روشهای پیشگیری از وقوع جرائم» اعلام می‌کند (بند ۱۱ ماده ۲۳) و بالاخره قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ بر پیشگیری از جرائم مرتبط با مواد مخدر به عنوان یکی از وظایف «ستاد مبارزه با مواد مخدر» وابسته به ریاست جمهوری تأکید دارد (ماده ۳۳). در اجرای این ماده و به منظور کنترل اعتیاد به مواد مخدر، ستاد در ۲۰ بهمن ۱۳۷۷ آئین‌نامه «پیشگیری از اعتیاد، درمان اعتیاد و حمایت از افراد در معرض

18. cf. Conseil de l'Europe, Organisation de la prévention de la criminalité, Strasbourg (France), 1988; Tulkens (F.) et Bosly (H._D.), op. cit.

خطر اعتیاد به مواد مخدر، را نیز تصویب کرده است.

بدین ترتیب ملاحظه می شود که در سطوح بین المللی، قاره ای، منطقه ای و ملی پیشگیری از بزهکاری (پیشگیری غیر کیفری)، در کنار سرکوبی کیفری و سرکوبی غیر کیفری جرائم از جایگاه خاصی برخوردار شده است که یا به عنوان یک وظیفه جدید به عهده نهاد پلیس سنتی گذاشته شده یا برای اجرای آن، اشکال جدید پلیس، یعنی پلیس های محلی و بعضاً «پلیس های اداری» خاصی، ایجاد شده است. اما در این نوشتار برآنیم که ابتدا مبانی پیشگیری و انواع آن را بررسی کنیم (گفتار نخست) و سپس به جایگاه پلیس محلی که شکل جدیدی از پلیس است در پیشگیری از بزهکاری به طور کلی و پیشگیری از جرایم محلی یا خرد به طور اخص (گفتار دوم) پردازیم.

گفتار نخست

پیشگیری از بزهکاری

واژه پیشگیری^{۱۹} امروزه در معنی جاری و متداول آن دارای دو بُعد است: پیشگیری یا جلوگیری کردن^{۲۰} هم به معنی «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن» و هم به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است. اما در جرم شناسی پیشگیرانه،^{۲۱} پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می شود، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. اما از نظر علمی پیشگیری یک مفهوم منطقی — تجربی است که همزمان از تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی

19. Prevention.

20. Prevenir - to prevent.

21. Gassin (R.), Criminologie, Éd. Dalloz, 1994, p. 588.

می شود.

شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب‌نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی (تیپولوژی) از پیشگیری ارائه شده است. آقای گسن، جرم‌شناس فرانسوی، برای پیشگیری یعنی «اقدام نسبت به عوامل و فرایندهای بزهکاری» چهار معیار در نظر گرفته است:

۱. اقدامی پیشگیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا «انحرافات جرم‌گونه» باشد، یعنی اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرایندهایی که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده و قاطع ایفا می‌کنند،
 ۲. تدابیر یا اقدام‌های پیشگیرنده جنبه جمعی دارد، یعنی مخاطب آن، کل جمعیت یا گروه یا بخش معینی از آن کل است،
 ۳. زمانی که هدف، اجتناب از انتخاب رفتارهای مجرمانه یا منحرفانه است، اقدامها یا تدابیری پیشگیرانه خوانده می‌شود که قبل از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کجروانه و نه بعد از آن اعمال شوند،
 ۴. و بالاخره، اگر پیشگیری شامل اعمال تدابیر یا اقدامهایی قبل از ارتکاب هر جرم کیفری یا پیش از انتخاب هر رفتار منحرفانه است، در آن صورت، این تدابیر یا اقدامها نمی‌توانند مستقیماً قهرآمیز و سرکوبگر باشند، زیرا اعمال سرکوبی کیفری مستلزم آن است که جرمی قبلاً ارتکاب یافته باشد.
- آقای گسن با توجه به این معیارهای چهارگانه معتقد است که «پیشگیری شامل مجموع تدابیر سیاست‌جنایی — به استثناء تدابیر نظام کیفری — می‌شود که غایت انحصاری یا لااقل جزئی آن، تحدید امکان وقوع مجموع اقدامهای مجرمانه از طریق غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آنها است»^{۲۲}.

۲۲. Ibid. p.589. به نظر آقای گسن، «جرم‌شناسی پیشگیرانه» شاخه یا شعبه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است که موضوع آن، تعیین مؤثرترین وسایل برای تضمین پیشگیری از جرم در مقیاس کل جامعه یا یک

در جرم شناسی و بر حسب تاریخ ظهور آنها، شش نوع پیشگیری قابل تفکیک از هم است بدون این که این تفکیک و طبقه بندی مطلق باشد،^{۲۳} چهار نوع نخست تحت عنوان «پیشگیری متداول» و دو نوع دیگر به عنوان «پیشگیری جدید» مورد توجه قرار می گیرد. بدیهی است که این پیشگیریها هر یک مبتنی بر مکتب و نظریه خاصی در جرم شناسی است.

الف - پیشگیری های متداول

۱. قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار که شخصیت آنها در حال شکل گیری و قوام یافتن است، باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده نمود، حال آن که در مورد بزهکاران بزرگسال باید از ارباب انگیزی از طریق تهدید به مجازات استفاده کرد، زیرا شخصیت آنها شکل و قوام گرفته است. پیشگیری اخیر با معیارهایی که قبلاً گفتیم قدری جنبه کیفری به خود می گیرد و بی تردید پلیس و نمودهای خارجی پلیس سنتی به عنوان یکی از ارکان نظام کیفری در آن نقش مهمی دارد.

۲. پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی، نوع دیگر پیشگیری از بزهکاری است. در پیشگیری عمومی اقدام علیه عوامل عمومی بزهکاری مورد توجه است،

تشکل محدودتر مثل شهر، محله یک شهر، ... - خارج از ارباب انگیزی ناشی از تهدید مجازات - است. «جرم شناسی حقوقی» نیز شعبه ای از جرم شناسی کاربردی است که اعتبار و ارزش علمی محتوای سیاست های جنایی و نهادهای کیفری که بیان حقوقی آن ها هستند و نیز اصلاحاتی را که، به منظور چاره اندیشی درباره یک وضعیت نارسا و نامطلوب، پیشنهاد شده یا ممکن است پیشنهاد شود مورد مطالعه و سنجش قرار می دهد.

23. cf. Gassin (R), "La notion de la prévention de la criminalité en milieu urbain, P.U.A.M., (France), 1992, pp. 21 et s; Gassin (R), criminologie, op. cit., pp. 592-595.

بدیهی است نهادهای مردمی و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه، محله، ... محیط سربازی در این نوع پیشگیری نقش عمده ای دارند. حال آن که در پیشگیری اختصاصی، عوامل اختصاصی تر جرائم و خنثی کردن آنها مورد توجه قرار می گیرد.

۳. پیشگیری انفعالی (منفعل) و پیشگیری فعال که نخستین آورده اجلاسهای اینترپل در مورد پیشگیری است، از اواسط سالهای ۶۰ میلادی، در جرم شناسی مطرح شده است. در پیشگیری منفعلانه (انفعالی) بعضی اقدامهای معمول پیشگیرنده، از نوع «هشدار پلیسی»، به استقبال پدیده ای که باید مانع وقوع آن شد نمی روند، بلکه به طور انفعالی منظر تأثیر این اقدامها باقی می ماند؛ حال آن که در پیشگیری فعال پلیس برای اجتناب از وقوع جرم عمل می کند و مثلاً برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را که در معرض جرم یا انحراف در زمان یا مکان خاصی قرار دارند، به عهده می گیرد.

مشارکت جامعه مدنی و مثلاً شوراهای شهر و شهرداریها یا اقدام مستقل هر یک از آنها در این خصوص نقش عمده ای ایفا می کنند.

۴. پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری «ثالث»^{۳۳} با الهام از مدل معمول در پزشکی ایجاد و از هم تفکیک شده است.

۴-۱. پیشگیری اولیه (نخستین) شامل اقدامهایی می شود که متمایل به تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم زای محیط فیزیکی و محیط اجتماعی است (یعنی بهبود شرایط زندگی).

۴-۲. پیشگیری ثانویه (دومین) شامل اقدامهای پیشگیرنده می شود که ناظر به گروههای خاص است که بیم ارتکاب جرم از سوی اعضای آنها می رود. به عبارت دیگر مخاطب این اقدامها، یک گروه یا جمعیت خاصی است، مثلاً کودکان و نوجوانان محله های فقیر یا بی بضاعت و دارای وضعیت نامناسب (یعنی اصلاح ساختارها و

نهادهای اجتماعی مربوط؛ اقدامهای شهرداری یا تصمیمات شورای شهر و نیز فعالیتهای مردمی سازمان یافته و خودجوش در این چارچوب مورد استفاده قرار می گیرند.

این دو نوع پیشگیری اولیه و ثانویه در چارچوب جرم شناسی پیشگیرانه واقع می شود.

۳-۴. پیشگیری ثالث (سومین) در واقع ناظر به پیشگیری از تکرار جرم از طریق اعمال اقدامهای فردی و سازگارسازی مجدد بزهکاران قدیمی است. کمک ها و مساعدتهای انجمن حمایت از زندانیان و اشخاص و تشکلهای علاقمند در موفقیت سیاست اصلاحی - بازپروری بزهکاران و کنترل تکرار جرم تأثیر عمده دارد. این نوع پیشگیری در چارچوب «جرم شناسی بالینی»^{۲۵} قرار می گیرد.

طبقه بندی نوین پیشگیری از بزهکاری که امروزه در متون جرم شناسی به کار برده می شود تا اندازه ای نوآوری و تا اندازه ای تلفیق از اشکال متداول پیشگیری است.

ب - پیشگیریهای جدید

جرم شناسی امروزه پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی (موضعی) را مطرح نموده است.

پیشگیری اجتماعی از بزهکاری شامل مجموعه اقدامهای پیشگیرنده است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی هستند که در تکوین جرم مؤثر بوده اند.

۲۵. جرم شناسی بالینی نیز از شاخه های جرم شناسی کاربردی است و موضوع آن، «مطالعه موردی و فردی بزهکار با هدف تعیین تدابیری است که مستعد دور کردن وی از تکرار اجتماعی جرم باشد». مفهوم اساسی در جرم شناسی بالینی «حالت خطرناک» یا خطرناکی فرد است. رک.

Gassin (R.), *criminologie*, op. cit. p. 535.

پیشگیری وضعی شامل مجموعه اقدامها و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم (وضعیت مُشرف بر جرم) و مهار آن متمایل است. این امر از یک سو، از طریق کاهش وضعیتهای ماقبل بزهکاری، یعنی وضعیتهای پیش جنایی^{۲۶} که وقوع جرم را مساعد و تسهیل می کند، انجام می شود و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزهکاران. بنابراین پیشگیری وضعی،^{۲۷} بیشتر با حمایت از آماجهای جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه دیدگی افراد یا آماج ها در برابر بزهکاران است که در نهایت و به طور غیرمستقیم کاهش بزهکاری نتیجه آن خواهد بود. در صورتی که پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم در مقام جلوگیری از مجرم شدن افراد است، یعنی جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل.

استقرار پلیس در فضای جغرافیایی معین یا گشتهای پلیسی در مکانها و محلهای معین در چارچوب پیشگیری وضعی قرار می گیرد، زیرا بدین ترتیب وضعیت و اوضاع و احوال ماقبل و مشرف بر بزهکاری به ضرر مجرم تغییر می کند و لاقبل مجرم را از ارتکاب جرم در آن محدوده یا نسبت به آن آماج معین منصرف می کند. گشتهای پیاده و سواره پلیس را نیز به «پیشگیری پویا» تعبیر کرده اند زیرا فرآیند گذار از طرح و اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه را منقطع و مختل می کند.

متنوع کردن پیشگیری بیانگر این موضوع است که بزهکاری، همان طور که گفته شد، از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیسی خارج شده و مقابله مؤثر با آن از یک سو، همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکلهای مردمی (جامعه مدنی) را می طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوع آوری در استراتژیها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است. تحول کمی و کیفی بزهکاری بی تردید

26. Pre- criminal situation.

۲۷. برای اطلاعات بیشتر رک. گسن (رمون)، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۲۰-۱۹، صفحه ۶/۵ و بعد.

نوآوری و ایجاد تغییرات در چگونگی کنترل جرم را این‌ب‌می‌کند.
 ظهور مفهوم «پلیس محلی»^{۲۸} یا «پلیس محله» یا پلیس شهرداری^{۲۹} یا کاربرد مفهوم «محلی کردن یا ناحیه ای کردن پلیس»^{۳۰} یا مفهوم «پلیس همجوار و همسایه»^{۳۱} در متون جرم شناسی، علوم پلیسی و به طور کلی تر در قلمرو سیاست جنایی و نیز استفاده از نمودهای مختلف پلیس محلی برای پیشگیری از بزهکاری و به ویژه جرایم خرد از دو دهه پیش به این سو، در همین چارچوب قرار می‌گیرد.

گفتار دوم

پلیس محلی و پیشگیری از بزهکاری

واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی همواره با عنوان ضابط قضایی و با مأموریت کشف جرم، دستگیری بزهکاران و به‌طور کلی با واژه «سرکوبی جرم و مجرم» مرتبط و همراه بوده است و بدین ترتیب نقش پلیس به‌طور سنتی فقط در چارچوب نظام کیفری تصور می‌شده است. لیکن به موازات تأکید یافته‌های جرم‌شناختی بر فایده و اثر پیشگیری در کاهش میزان جرایم از یک سو، و پذیرش نظری — عملی نهاد پیشگیری به‌عنوان قلمروی جدید سیاست جنایی در کنار قلمرو سنتی آن، یعنی سرکوبی، از سوی دیگر، بینش و اشکال جدیدی از مأموریت و وظیفه پلیس در جامعه، از آغاز سالهای هفتاد میلادی ایجاد و مطرح شده است.^{۳۲}

28. Ponce communautaire / community police.

29. Municipal Police.

30. Community Policing.

31. Neighbourhood Police.

۳۲. در این مورد رک. شماره ویژه مجله بین‌المللی جرم‌شناسی و پلیس فنی (ژنو)، شماره ۲، سال ۱۹۹۷ درباره پلیس:

Revue internationale de criminologie et de police technique, n° 2, 1997.

بدین سان، انواع جدید پلیس اداری، با وظایف متنوعی از جمله حمایت از قربانیان جرایم و راهنمایی آنان، آموزش عمومی نوجوانان و اتخاذ تدابیر و انجام اقدامهای مختلف^{۳۳} به منظور پیشگیری از وقوع جرم «اولیه» و جلوگیری از استقرار وضعیت‌های خطرناک و جرم‌زا، در کنار پلیس سنتی ایجاد شد.

بررسی پلیس محلی و مقایسه آن با پلیس سنتی (الف) و سپس تحلیل نمودهای عملی پلیس محلی (ب)، به عنوان یکی از مصادیق پلیس نوین، اجازه خواهد داد تا وظایف و مأموریت‌های این پلیس در زمینه پیشگیری از جرم روشن شود.

الف - مبانی نظری پلیس محلی و مقایسه آن با پلیس سنتی از نظر سرکوبی

- پیشگیری

الف - ۱. مبانی نظری

بعضی از صاحب‌نظران^{۳۴} معتقدند که مبانی نظری پلیس محلی را می‌توان در شش مورد خلاصه کرد:

۱. مأموریت پلیس محلی اساساً یک مأموریت حفظ آرامش و نظم است. مأمور پلیس در این خصوص با رعایت حقوق و آزادیهای اساسی شناخته شده برای شهروندان عمل می‌کند.
۲. استراتژی حیاتی پلیس محلی مشورت و رایزنی منظم و اسلوب دار (سیستماتیک) با جامعه و تشکلهای مردمی - محلی (جامعه مدنی) و به ویژه اتخاذ تدابیر مناسب محلی برای پیشگیری از ارتکاب جرائم در آن محل یا منطقه است.

۳۳. همچنین رک. نشریه امنیت، وزارت کشور، شماره دوم، ۱۳۷۷، ص ۴۸ و بعد.

cf. Duglery (D.), "Le rôle de La police", in la prévention de la criminalité en milieu urbain, P.U.A.M (France), 1992, p. 133 et s.

34. Normandeau (A.), "L'avenir de la police communautaire au Canada", in La prévention de la délinquance en milieu urbain, P. U.A.M.,(France), 1992, pp. 159 et s.

۳. مشی و رفتار پلیس محلی ماهیتاً کنشی و فعال^{۳۵} بوده و مبتنی بر مشارکت با جامعه و تشکل های محلی است.

۴. بخشی از دل مشغولی پلیس محلی حل و فصل مسائل مرتبط و ناشی از بزهکاری در محل است و در این زمینه از مشارکتهای مناسب مردم محل یا نهادهای عمومی بهره می برد و در جهت حل و فصل بعضی علل بزهکاری و انحرافات دست به فعالیتهای پیشگیرانه می زند.

۵. پلیس محلی، با همکاری و با ارتباط با بخش های عمومی و نیز شوراهای شهر - روستا و انجمنهای محلی - مردمی در بهبود کیفیت زندگی و اتخاذ اقدامهای امنیت و اطمینان بخش برای ساکنان محل کمک می نماید.

بدین ترتیب، پلیس محلی از طریق برنامه محلی پیشگیری از بزهکاری علاوه بر مهار و کاهش جرائم محلی، در صدد کاهش ترس از جرم و نگرانی مردم از بزه دیده واقع شدن و تعدیل احساس ناامنی شهروندان نیز می باشد: یعنی رعایت اصل شفافیت در برخورد با مسائل بزهکاری در سطح محل.

۶. گزارش دقیق از آمار جرائم و اقدامهای اتخاذی پیشگیرنده به جامعه و منتخبان محلی - ملی مردم.

۷. روش اقدام پلیس محلی در وهله اول، متقاعد کردن از طریق ارتباطات با مردم محل و منطقه است (پلیس ملایم و نرم) و در چارچوب تشکیلات غیرمتمرکز دارای استقلال عمل و مسؤلیت پذیری است.

با توجه به این مبانی نظری و با توجه به اصولی که SIR ROBERT PEEL انگلیسی - که وی را «پدر یا بنیانگذار» پلیس مدرن نامیده اند - در سال ۱۸۲۹ درباره پلیس اعلام نموده است،^{۳۶} می توان مدل سنتی پلیس را با مدل محلی پلیس

35. Attitude Pro-active.

36. Normandeau (A.), op. cit p. 169.

مقایسه نمود.

الف - ۲. مقایسه پلیس محلی با پلیس سنتی

۱. در مدل سنتی، پلیس یک نهاد دولتی است و خود را عمدتاً مسؤؤل اعمال قانون می‌داند، حال آن‌که در مدل محلی، پلیس عضو جامعه و مردم است و مردم نیز خود را جزو پلیس می‌دانند.

۲. پلیس سنتی وظیفه عمده خود را در روشن کردن وضعیت پرونده‌های کیفری و جرایم می‌داند، در صورتی‌که رویکرد مدل محلی، حل و فصل مسائل مربوط یا ناشی از بزهکاری است.

۳. پلیس سنتی میزان کارایی خود را در شناسایی و دستگیری متخلفان می‌داند، لیکن پلیس محلی در صدد آن است که جرم و بی‌نظمی در محل و منطقه مورد نظر بوجود نیاید.

۴. اولویت‌های مدل سنتی پلیس، مبارزه با جرائم بزرگ و پیچیده است، حال آن‌که پلیس محلی به مسائلی که در جامعه اخلاص ایجاد می‌نماید، و عموماً خرد هستند، می‌پردازد.

۵. پلیس سنتی اختصاصاً به وقایع و حوادث و جرایم ارتكابی توجه می‌کند، حال آن‌که پلیس محلی به دل‌نگرانی و احساس ناامنی شهروندان می‌پردازد.

۶. کارایی پلیس سنتی، در میزان سرعت این نهاد در حضور در صحنه و مداخله در حادثه و واقعه مجرمانه‌ای است که اتفاق افتاده است، در صورتی‌که پلیس محلی کارایی خود را در میزان و نوع همکاری مردم با خود می‌داند.

۷. پلیس سنتی بسیار متمرکز و تحت قوانین و مقررات سخت قرار دارد و عملاً عرف و عادات شغلی و صنفی در آن حکومت می‌کند. لیکن پلیس محلی با توجه به نیازها و مسئولیت‌های محلی به طور انعطاف‌پذیر اقدام می‌کند.

۸. پلیس سنتی تعقیب قضایی - کیفری جرائم را هدف عمده و مهم خود می‌داند و به همین جهت تهیه آمار از فعالیتهای معمول در مورد تشکیل پرونده‌های جنایی برای این نهاد مهم است، در صورتی که برای پلیس محلی تعقیب کیفری، تنها یکی از راههای مبارزه با جرم محسوب می‌شود و نه تنها راه ممکن. ارائه و تحلیل نمودهای عملی پلیس محلی که از بیش از دو دهه پیش در پاره‌ای کشورهای دنیا (عمدتاً آمریکای شمالی و اروپای شمالی) در کنار پلیس سنتی متداول شده است، اهمیت آن را در پیشگیری از جرایم خرد و به ویژه کاهش احساس ناامنی شهروندان بهتر نشان خواهد داد.

ب. نمونه‌ها و نمودهای عملی پلیس محلی در ارتباط با پیشگیری

این نمودها را می‌توان عمدتاً در پنج مورد خلاصه نمود:

۱. طرحهای متعدد پیشگیری محلی از جرم در کشورهای مختلف از اواخر دهه هفتاد میلادی تحت مدیریت پلیس و نهادهای محلی و غالباً با مشارکت با سایر نهادهای عمومی و نیز تشکل‌های مردمی به اجرا گذاشته شده است. به عنوان نمونه می‌توان به برنامه‌های پیشگیری مشهور به «نظارت بر محله و حمایت از همجواری و همسایگی در مقابل جرم»^{۳۷} در انگلستان یا ایالات متحده آمریکا اشاره کرد.
۲. افزایش حضور پلیس از طریق تأسیس ایستگاهها یا پست‌ها یا گیشه‌های کوچک در چهارگوشه شهرها یا محله‌ها. تعداد این ایستگاهها تابعی از میزان جمعیت و ابعاد جغرافیایی هر محل است. این ایستگاههای پلیسی با همکاری شهروندان داوطلب، مردم را در زمینه پیشگیری از بزهکاری توجیه و از روشهای مختلف آن آگاه می‌کنند، با بزه دیدگان همدردی و آنان را از نظر قضایی راهنمایی می‌کنند و با

37. Neighbourhood crime watch.

کسبه محل، افراد مسن و نیز نوجوانان محل تماس مستقیم برقرار می نمایند.

۳. تقویت رؤیت پذیری پلیس از طریق برقراری گشت های پیاده یا سواره یا گشت های مختلط در نقاط حساس یا محله های مختلف در شهرهای کلان یا در حومه های کلان شهرها.

۴. ایجاد کمیته های مشورتی شهروندان در ادارات پلیس یا کلانتری ها در سطح شهر یا محله، با مشارکت نمایندگان تشکلهای مردمی و «گروههای علاقمند» به حل و فصل مسائل مربوط و ناشی از بزهکاری، از جمله مهار بزهکاری و امر پیشگیری متناسب با محل.

۵. شرکت دادن فعال منتخبان محلی در شورای امنیت عمومی شهر یا کمیسیون پلیس شهرداری وابسته به شورای شهر. منتخبان محلی سیاست های عمده پلیس محلی را در زمینه پیشگیری مشخص و مدیریت می کنند و به بعضی آماجها یا بزه دیدگان بالقوه آسیب پذیرتر در سطح محله یا شهر، با اقدامهای حمایتی، بیشتر توجه می کنند (مثلاً نوجوانان، افراد سالخورده را مشمول تدابیر حمایتی، امدادی، ... قرار می دهند).

برنامه ها و اقدامات پلیس محلی در مقابله با جرایم محلی که به بعضی نمودهای عملی آن اشاره شد نشان می دهد که پلیس محلی از یک سو، همواره در دسترس مردم، همجوار با مردم و در تماس مستقیم و مستمر با شهروندان و مسائل آنان است و از سوی دیگر، نهادی است که به اقداماتی به منظور شور و نشاط و روحیه بخشیدن^{۲۸} به شهروندان و فضا و جو حاکم در محل مبادرت می نماید، یعنی در بین افراد محله یا شهر و به ویژه شهرکها یا حومه های جدیدالتأسیس تحرک، جنب و جوش، شور و امید ایجاد کرده و شهروندان را در پیشگیری از وقوع جرائم یا حل و فصل اختلافات ناشی از جرائم کوچک مشارکت داده و با کمک آنها و با اشراف به

واقعیت‌های جامعه شناختی و بافت جمعیت محل اقدام به سیاستگذاری و برنامه ریزی می‌کند.

نتیجه گیری

بر اساس مطالعات و تحقیقات انجام شده، می‌توان گفت که به موازات پیچیده شدن جرائم و به ویژه به موازات «فنی شدن» نحوه ارتکاب جرائم، پلیس سنتی نیز با بهره گیری از آموزشهای اولیه، تجربه های مکتسب و فن آوریهای امروزی خود را برای رویارویی با این قبیل جرائم مجهز و متحول نموده است.

اما به عکس، پلیس سنتی به همین میزان در مقابل افزایش جرائم خرد و محلی غافلگیر شده است. شاید به همین علت است که فکر متنوع کردن پلیس، ایجاد نهادهای محلی پلیس و تقویت پلیس شهرداری که به لحاظ تماس مستمر با واقعیات مجرمانه - منحرفانه محلی بیشتر آشنا است و حتی اندیشه تأسیس قانونی نوعی «پلیس یا نگهبانی خصوصی»، به تدریج مطرح گردیده و در پاره ای کشورها جنبه عملی نیز به خود گرفته است.

در آغاز پلیس سنتی از این که بخشی از وظایف آن در مقابله با بزهکاری با گذشت زمان به نهادهای عمومی دیگر و یا به تشکلهای مردمی و به طور کلی جامعه مدنی محول می‌گردد خشنود نیست، لیکن واقعیت این است که روشهای سنتی قهرآمیز و سرکوبگر در مقابل بزهکاری، و به ویژه جرائم کوچک که به لحاظ شیوع، برای بسیاری از شهروندان جزو واقعیت‌های زندگی امروزی و امری محتوم اجتماعی محسوب می‌شود، دیگر کارساز نیست. به عبارت دیگر، صرف حضور پلیس با یونیفورم و تجهیزات انتظامی متداول و حتی با استفاده از «خشونت مشروع» نمی‌تواند به تنهایی بزهکاران محلی را که برای ارتکاب اعمال نامشروع خود آماج‌های محلی را

انتخاب کرده و حاضر به جابجاشدن در مکان نیستند منصرف نماید.

از سوی دیگر، دل بستن به کارایی پلیس محلی و نمودهای عملی آن به تنهایی برای مهار بزهکاری خرد واقع بینانه نیست، زیرا نتایج تحقیقات سنجشی و ارزیابی کننده،^{۳۹} مثلاً در کانادا، نشان می‌دهند که بیشترین تأثیر نمودهای عملی پلیس محلی، بر کاهش احساس ناامنی و کاهش ترس و نگرانی از بزه دیده شدن در میان شهروندان بوده است. به عبارت دیگر پلیس محلی در مقابل جرایم، بیشتر آرامش بخش و اطمینان بخش بوده است تا بازدارنده.

پلیس محلی با بهره‌گیری از تجربیات پلیس سنتی از یک سو، و با مشورت با نمایندگان محلی مردم و شرکت دادن آنها در سیاستگذاریهایی پیشگیرانه خود از سوی دیگر، می‌تواند جرائم خرد را آگاهانه و با مطالعه تحت مهار و کنترل خود درآورد. در اغلب کشورها، یکی از وظایف تشکلهای منتخب محلی از جمله شهرداریها و شوراهای شهر، رتق و فتق امور اجتماعی محلی است.^{۴۰}

از آنجا که بزهکاری پدیده‌ای است اجتماعی و یکی از معضله‌ها و منبع عمده نگرانی و دل‌مشغولی مردم محسوب می‌شود، بدیهی است همکاری متقابل و مشارکت هماهنگ پلیس محلی با این نهادها در کاهش نگرانی ناشی از جرم و نیز میزان جرائم مؤثر خواهد بود.

اما همان‌طور که «مردمی شدن عدالت کیفری»، یعنی شرکت دادن شهروندان در مراحل مختلف عدالت کیفری (مثلاً شرکت دادن مردم در هیأت منصفه در دادگاه

39. Evaluative research.

۴۰. مثلاً در مورد ایران، رک. اصل یکصدم قانون اساسی ج. ۱. ۱ و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱ خرداد ۱۳۷۵.

جنایی در فرانسه^{۴۱} یا شرکت دادن مردم در نهاد میانجی‌گری کیفری میان بزه دیده و متهم در مرحله دادسرا در حقوق فرانسه^{۴۲} یا شرکت دادن مردم در هیأت منصفه در دادگاههای ویژه جرائم مطبوعاتی یا جرایم سیاسی در حقوق ایران یا مشارکت نهاد خانواده در اجرای تصمیمات دادگاههای اطفال در حقوق سابق ایران، همراه با تضمینهای حقوقی - قضایی، عملی شده است تا حقوق متهم و محکوم رعایت شود، وظایف پلیس محلی نیز باید با همین وسواس و دقت کار مشمول تضمینهای قانونی قرار گیرد تا حقوق و آزادیهای اساسی مردم محلی، به بهانه پیشگیری از جرم، نقض نگردد و مورد تفتیش و سوءاستفاده عوامل پلیس واقع نشود. به دیگر سخن، در امر پیشگیری از بزهکاری نیز اصول عدالت و حقوق بشر، یعنی کرامت شخص انسان، آزادی رفت و آمد افراد و خلوت و زندگی خصوصی آنان، باید رعایت و محترم شمرده شود.^{۴۳}

۴۱ و ۴۲. رک. استفانی (گاستون)، لواسور (ژرژ)، بولک (برنار)، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، دو جلد ۱۳۷۷؛ لارگیه (ژان)، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن کاشفی اسمعیل زاده، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.

43. Cf. Delmas- Marty (M.), Systèmes d'Administration de la justice et prévention, in Revue de droit pénal et de criminologie, n° 2, 1988, pp. 128- 134.